



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۵/۰۷



احسان الله مایار

قوٹی عطاری فیسبوک

به فیسبوک سری زدم و از قضاء یک پارچه نوشته در رابطه با چهاردهی کابل، بعداً از نظر خوانندگان گرامی گزارش می یابد، گذشته های از زندگیم را به خاطرم تداعی کرد.

قدم به جهان ماندم در اندرابی کابل آغاز گردید و به خاطر دارم که در سال ۱۹۳۹م به صنف مدخل مکتب نجات که در چند صد قدمی منزل ما قرار داشت، داخل شدم.

منزل ما در اندرابی که به پسته خانه شهرت داشت باغ زیبایی داشت که گل های گلاب و چمن مصفای آن در ذهنم زنده و پایدار مانده است.

در حوالی ۱۹۴۵م بعد از ختم جنگ جهانی دوم پدر کلان های بزرگوار ما، جنرال عبدالله خان وردگ، عبدالاحد خان وردگ، رئیس شورای ملی تصمیم گرفتند که از اندرابی کوچ نموده و در کدام منطقه از چهاردهی که آب و هوای گوارا و خوب داشت تهداب زندگی جدید خود را بگذارند.

روزی را به یاد دارم که موتر های لاری با مایلزم زندگی ما بار شدند و در خواجه ملای چهاردهی در داخل باغ پُر از اشجار و گل و گل بته ها تخلیه گردید. در داخل محوطه باغ قلعه بزرگی با یک برج بلند قرار داشت که برای خانواده ما که تعداد شان بیشتر از پنجاه نفر بود اکتفاء می کرد.

قراریکه بعداً برای ما طفلان خورد سال و بزرگتر واضح شده این قلعه مربوط به سید غلام دستگیر بود که در محافل خواجه ملا به آغا شهرت داشت و داماد میر عبدالواحد آغا بود.

چند سال پُر از فرحت و خوشی را در اینجا گذشتانیدیم.

از قضاء با دو فرزند میر عبدالعزیز خان، پسر میر عبدالواحد آغا، در مکتب هم صنفی بودم، میر عبدالحمید و میر عبدالرشید، که گاه گاهی با هم پای پیاده یا توسط گادی یکجا و صحبت کنان مکتب می رفتیم.

بعد از چند سال به گذرگاه، در آنجا خانه های ما در وضع تکمیل و یا نیمه اعمار قرار داشت، کوچ کرده و تا سال ۱۹۵۳م با یک عالم خوشی و همسایه های نیکو زندگی کردیم که نقش در ذهنم بوده و تا ختم حیات پایدار خواهد ماند.

همسایه های ما خانواده شاه آقاسی خیل، خانواده محترم و سرشناس که در دوران پادشاهی امیر امان الله خان مقامات بلند پایه داشتند، بودند که مردمان نیک سیرت بوده و با ما رفت و آمد داشتند.

در گذرگاه نیز دو جوان، نورمحمد و ولی محمد، پسران امیرمحمد خان که اولی همصنفی و دومی در صنف پائینتر مکتب نجات بودند با یکتعداد از جوان های دیگر خانواده، محترمان محمد انور و عبدالقدوس وتعداد

بیشتری تیم والیبال ترتیب نموده بودیم که تقریباً بعد از ختم درس مکتب بازی می کردیم و با خوشی ها و خنده ها سیر زندگی را استقبال می نمودیم.

در یکی از روز های (۲۲-۲۳) ماه سپتمبر ۱۹۵۳ گذرگاه زیبا را ترک کردم و از طریق پاکستان به آلمان سفر کردم که این موضوع با چهاردهی کمتر رابطه دارد و میگذارمش کنار.

بر میگردم به ادای وعده و گزارش تاریخچه چهاردهی از طریق فیسبوک که توسط محترم بلال چهاردهی انتشار یافته است:

Bilal Chardey

۸/اپریل ۲۰۱۸

تاریخچه مختصر در رابطه به چهاردهی کابل

چهاردهی بخش اعظمی از شهر کابل را تشکیل میدهد که به طرف غرب و جنوب غرب کابل موقعیت داشته و

در ۶۹ درجه، ۱۲ دقیقه و ۴۸ ثانیه طول البلد شرقی و ۴۳ درجه، ۵۵ دقیقه و ۲۴ ثانیه عرض البلد شمالی

واقع گردیده است که از طرف شرق به سلسله کوه های شیر دروازه، تخت نیورک و پل آرتل (هارتن.م.)، از

طرف جنوب گذشته از دامنه تپه تاج بیگ، کوه قورغ و لندر، از طرف غرب به قلعه قاضی و مرغ گیران و

از طرف شمال به دهیوری فاضل

بیگ و قلعه کاشف حدود دارد.

چهاردهی جمعاً دارای ۳۸ قریه

خورد و بزرگ بوده که دهات

مشهور و قدیمی آن ده دانا، ده مراد

خان، چهار قلعه، گلخانه، ده قلندر،

سر آسیاب، چهلستون، قلعه مسلم،

سه بنگی، قلعه کاشف، قلعه قاضی

فاضل بیگ، انچی باغبانان و ... می

باشد.



نام اصلی آن از چهار قریه منشأ گرفته که عبارتند از: دهمزنگ، ده بوری، دارالامان و چهلستون است.

ساحه یاد شده در دوره پادشاهی تیمورشاه به نام چهاردهی مسما گردید و در زمان سلطنت محمد ظاهر(شاه)

حیثیت یک ولسوالی مستقل را به خود گرفت و سپس مربوط شهر کابل گردید که حالا تمام این ساحات به پنج

ناحیه تقسیم گردیده است.

اراضی آن از گل زرد، ریگ و چونه ساخته شده و خیلی ها حاصل خیز و سرسبز میباشد که در گذشته ها

بیشترین سبزیجات و لبنیات کابل از همین مناطق تهیه می گردید. وادی چهاردهی نظر به آب و هوای گوارا و

باغ های پرمیوه اش، روزگاری میله جا شاهان، مقام های عالی رتبه دولتی و شهر نشینان کابل بود. عده ی از

آنها قلعه ها و باغ ها درین مناطق داشتند که تابستان را در آنجا به سر میبردند که میتوان از قصر دارالامان،

قصر تاج بیگ، قصر چهل ستون، باغ بابر، حرمسرای ابراهیم بیگ پادشاه بخارا و ... نام برد.

ساختمان طبیعی آن طوری است که از چندین دماغه ها، وادی های کوچک، قول ها، کاریزها و چشمه ایجاد گردیده که در یکی از دماغه های آن، ساختمان های تاریخی و زیبای باغ بابر و دیگر آن قصر چهلستون است. در گذشته طور تخمینی سه حصه از چهاردهی نشینان را تاجیک ها و متباقی آن را گدی ها، هزاره ها و پشتونها تشکیل میداد.

ساکنین چهاردهی زمین مهمان نواز، سلحشور، ناموسدار، متعهد به عهد و قول، وطندوست و ... بوده که این سجایای نیکو و جوانمردی نشاندهنده فرهنگ پربرابر آنان تلقی میگردد. در گذشته ها پیشه ی اصلی مردمان آن را دهقانی و بنائی تشکیل میداد، علاوه بران آنها به کسب علم نیز علاقمند بودند که در اثر آن عده ی از آنها در ادارات و یا مؤسسات تعلیمی حکومتی منحصیث استاد، داکتر، افسر، رئیس، مدیر و مأمور اجرای وظیفه مینمودند. جوانان این مناطق در زورآزمایی بدنی نیز دارای نام و نشان بوده و پهلوانان نامدار را در خود پرورانیده است که میتوان از پهلوانان نامور آنها مانند: پهلوان برات، پهلوان بهرام، پهلوان افضل، صدیق زرگر، پهلوان اسلم کابلی، پهلوان آصف کوهکن، پهلوان عبدالحق، پهلوان حبیب قصاب و پهلوان امیر محمد گذرگاه... نام برد. به همین گونه تصوف و طریقت نیز جایگاه خاص در میان این مردم داشته، زیارتگاه بزرگ مردان و نام داران اسلام نیز یکی دیگر از غنیمت های ماندگار این دیار می باشد که میتوان از زیارتگاه شاه آغا صاحب، شاه قطب حیدر، آخذ محمد امین، پادشاه صاحب گلخانه و ... یاد آور شد.

مردم این مناطق، رسم و رواج اجتماعی منحصر به خود را داشته، در گذشته همه اقوام ساکن این دیار به دور از تعصبات قومی، مذهبی، جنسی و ... در کنار یک دیگر مانند برادر و خواهر زندگی مسالمت آمیز را به پیش میبردند.

پایان